سیدهاشم سدید

۳۰/۱۲/۲۰۱۶

من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم

بخش سوم

قیس عزیز،

18- نوشته می کنید: «به طور مثال شما در انتخابات گذشته برای عبدالله عبدالله بدون لحظهٔ تفکر که آیا وی قادر خواهد بود، تا وطن ما را نجات دهد، پروپاگند کردید.»

ببینید قیس عزیز، وقتی من می گویم، که شما حرف هوائی می زنید یا اتهام می بندید، بیهوده نمی گویم؛ توجه کنید:

1- «عبدالله و غنی از حیث بدی هر دو یکسان اند!" مقاله ای بود نوشته شده به تاریخ 29 جون 2014. این نوشته در آرشیف سایت افغانستان آزاد ـ آزاد افغانستان به اسم من موجود است. آیا این جمله حکایت از حمایت از عبدالله دارد؟

علاوه بر این، در متن نوشته آمده است: "توقع ملت از این کتله از افغانان این است که کمی هم به نقد موضع گیری ها و سیاست نشراتی وبسایت هائی بپردازند، که خود را مردمی و ملی می خوانند، ولی حتا یک نوشته از یک نویسنده در باب تقلب در انتخابات و نقد از اشرف غنی در آن دیده نمی شود ـ دقیقاً مانند سایت هائی که قلادهٔ عبدالله عبدالله دوستی بر گردن شان دیده می شود.»

منظور از "این کتله " نویسندگان و روشنفکرانی ست که در خصوص نوشته های جانب دارانهٔ برخی از نویسندگان به نفع غنی یا به نفع عبدالله سکوت اختیار نموده بودند؛ و اشاره به وبسایت هائی که خود را ملی و مردمی می نامند، پورتال افغان جرمن بود. من اما، با حفظ امانت داری و تعهد در برابر حق و حقیقت و مردم و وطن به هواداران هر دو طرف که موضع "کور خود و بینای مردم" را گرفته بودند، ایراد گرفته ام ـ هم به غنی و هوادارانش هم به عبدالله و مشتاقان و محبانش. باز هم سؤال می کنم: آیا از عنوان مقالهٔ یاد شده و برشی از متن آن که به طور نمونه به معرض ملاحظه قرار داده شد، چنین استنتاج خواهد شد، که من در بارهٔ عبدالله تبلیغ می کردم و خواهان پیروزی وی در انتخابات بوده باشم؟

2- در صفحهٔ سوم مقالهٔ «دو راه وجود دارد. یا احترام به شما، یا بی احترامی. انتخاب به دست شماست!» که به تاریخ 21 جون 2014 نوشته شده است قید کرده ام که: «مسألهٔ قدرت: مسألهٔ علاقه به قدرت در این اواخر در کشور ما به چیزی فاجعه باری تبدیل شده است. هر فضیلتی متأسفانه در پیش پای این بت رعنا سر بریده می شود و هر جنایتی برای رسیدن بدان مجاز اعلام می گردد. هیچ کاری، وقتی پای قدرت در میان باشد، امروز غیراخلاقی و غیرانسانی و رذیلانه پنداشته نمی شود. ***چنین دید نسبت به قدرت، یک فاجعه است. و این فاجعه فعلاً در کشور ما وجود دارد. ترکیبی از تیم های انتخاباتی اشرف غنی تکنوکرات امریکازده، دوستم بی سواد و قاتل هزار ها انسان و احدی***

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

شؤونیست و... از یک طرف و عبدالله عبدالله این شریک جنگ ها و کشتار هزار ها انسان در جنگ های کابل با سیاف و محقق و محمد خان و... از طرف دیگر نشان میدهد، که چه بازی های چرکینی برای رسیدن به قدرت می تواند صورت بپذیرد. آغوش گرم آلهۀ قدرت تنها چیزی است که بعد از رسیدن بدان، با همه رذالت ها و خشونت ها، برخی خود را راضی و فارغ البال از همۀ غم های جهان احساس کنند...»

خواهش من از شما جناب قیس کبیر این است، که در کجای این نوشته به نفع عبدالله تبلیغ شده است. همچنان به ما نشان بدهید، که در سایت شما در آن زمان یک کلمه، حتا یک کلمه، در بارۀ تقلب تیم اشرف غنی نوشته شده باشد؟

حتماً می فرمایند که اشرف غنی دستی در تقلب نداشت. نود و نه در صد مردم افغانستان از تقلب غنی و عبدالله در انتخابات دلخور بودند. صد ها تلویزیون، رادیو، روزنامه، مجله و صفحات اینترنتی داخلی و خارجی، همچنان جوامع مدنی داخلی و خارجی، سازمان های حقوق بشری، سفرای برخی از کشور ها همراه با نمایندگان و ناظران سازمان ملل متحد و دیگران به صراحت اعلام داشتند، که در انتخابات به شکل گسترده و از دو طرف تقلب شده است. چرا در سایت شما یکبار از تقلب تیم غنی در انتخابات یاد نشده است؟ آیا سکوت در برابر این خیانت بزرگ نیز از جمله وظایف ملی شما محترم بوده است؟

در هر مقاله ای که من در آن دوران نوشته ام، به هر دو تیم به دلیل دست داشتن در تقلب ایراد گرفته ام. منتها به اشرف غنی بیشتر، چون کمیسیون ها عملاً به هدایت کرزی به نفع او کار می کردند. چه فکر می کنید؛ که رئیس جمهور غنی به چه دلیل تمام کمیشنر های کمیسیون های انتخاباتی را به صفت مشاورین خود مقرر نمود است و چرا تلاش می کرد آن ها در کرسی های شان نگه داشته شوند؟!

انتظار من از شما محترم این است، که کمی به مردم فکر کنید. سیاست مداران می آیند و می روند، ولی مردم همیشه زنده هستند و همیشه در صحنه حضور دارند.

نوشته می کنید که من برای عبدالله عبدالله پروپاگند کرده ام؛ آیا عبارت: « دقیقاً مانند سایت هائی که قلادۀ عبدالله عبدالله دوستی بر گردن شان دیده می شود.» معنی تبلیغ برای عبدالله عبدالله را افاده می کند؟

یا این عبارت: «و عبدالله عبدالله این شریک در جنگ ها و کشتار هزار ها انسان در جنگ های کابل با سیاف و محقق و محمد خان...» یا «عبدالله و غنی از حیث بدی هر دو یکسان اند.»

با این چند مثال از تنها دو نوشتۀ من از میان ده ها نوشته علیۀ جمعیت ـ شورای نظار، ربانی و عبدالله و فهیم و غیره اعضای این دو سازمان سیاسی ـ مذهبی، شما نمی توانید مرا به داشتن ارتباط با هیچ یک از این انسان های متقلب، عهد شکن و جنایت پیشه ؛ از غنی گرفته تا دوستم و احدی و مجددی و گیلانی و حکمتیار و عبدالله و قانونی و فهیم و ربانی و محقق و محسنی و سیاف خلیلی و کرزی و امثالهم متهم کنید.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

کسی که در کنار مردم است، نمی تواند در کنار این انسان های بزهکار و جنایت پیشه بایستد و از این ها حمایت کند. نوشته های پیرامون انتخابات، که خواه مخواه از این یا از آن باید نام برده می شد، به این معنی نبوده که من از این یا از آن حمایت می کردم. هر دو در انتخابات تقلب کردند، هر دو مرتکب خطا و خلاف شدند، هر دو انتخابات را سبوتاژ کردند و هر دو سبب شدند، که جامعه بجای این که به سوئی آرامش برود و زندگی مردم سر و سامان بیابد، بیشتر از پیش دستخوش هرج و مرج و اختلال و آشفتگی گردد.

می پرسید که آیا وی (عبدالله) قادر خواهد بود، تا وطن ما را نجات دهد؟ از چه؟ از دست طالب؟ از شر ایران و پاکستان؟ از وجود عساکر 43 کشور خارجی در افغانستان؟ از فساد؟ از خویش خوری؟ از قومگرائی؟ از فقر؟ از بیکاری؟ از هرج و مرج؟ از نفاق و دشمنی؟ از شر وطن فروشان رنگارنگ؟ از آدم ربائی؟ از شر انتحاری؟ از هوائی آلودهٔ شهر کابل، از آب ها کثیف تحت الارضی در شهر ها، از فرار هزاران جوانان از کشور؟ از انتخاب وزرائی که قادر به مصرف بودجهٔ تخصیص داده شده برای وزارت خانه های خود نیستند؟ از انتخاب وزرائی که قادر به ادارهٔ وزارت خانه های خود نیستند؟ از زن ستیزی و اذیت و آزار زنان در ادارات؟ از تجاوز و تعدی بر زنان و دختران؟ از زورگوئی زورگویان دولتی؟ از غصب ملکیت و دارائی های مردم؟ از خود سری و کم کاری وکلاء؟ از قانون گریزی مسؤولین امنیتی و قضائی؟ از افلاس و تعسر صد ها هزار زن بیوه و کودک یتیم؟ از سرگردانی و نیاز و آینده ای نامعلوم هزاران کودکان کار؟ از حضور افراد فاقد صلاحیت مسلکی در ادارات مهم؟ کدام بدبختی و محرومیت دیگر را اولتر یاد کنم؟ عزیزم، همه کسانی که امروز بر سر قدرت هستند، مهره هائی هستند نصب شده توسط امریکا. پول ارتش افغانستان، سالانه چهار میلیارد و دو صد میلیون توسط کشور های عضو ناتو تمویل می گردد ـ علاوه بر میلیون ها دالر دیگر برای تمویل سائر مصارف به کشور. اشرف غنی چه می کند؟ چه کاره است؟ با کدام استقلال و پایهٔ مردمی؟ انتخابات رقابت بین اقوام بود، اشخاص هیچ نقشی را بازی نمی کردند. و بالاخره با کدام پول؟ امریکا نباشد، غنی هیچ کاری کرده نمی تواند؛ نه غنی و نه عبدالله و نه کسی دیگری. بناءً اگر کاری هم می شود، باید آن را به پای امریکا نوشت!

باوجود این در دوران وی است، که افغانستان در رتبه بندی جهانی سومین کشور فاسد در میان کشورهای جهان گردید! میزان معتادان به دو میلیون نفر رسیده است. بیکاری افزایش پیدا کرد. میزان تولید مواد مخدره بالا رفت. راه گیری و انسان ربائی ازدیاد یافت. بی سوادترین و رسواترین انسان به صفت معاون اولش انتخاب شد، درحالی که یکی از شعارهایش شائسته سالاری بود. قضیهٔ کابل بانک هنوز معلوم نیست. میلیون ها دالر به نام مکاتب و عساکری که اصلاً وجود ندارند، توسط وزرا و مامورین عالی رتبهٔ دولتی حیف و میل شده اند. قبل از انتخابات از شفافیت سخن می زد. کجا شد این شفافیت که وقتی هیئت منتخب خودش مشاورش را به عنوان مختلس معرفی می کند، اصلاً به روی خود نمی آورد و به جای پرسان او را به حیث سفیر مقرر می کند؟ و...

نا گفته نماند که این همه انتقادات به این معنی نیست که عبدالله آدم خوبی ست؛ خیر! او، اگر بدتر از غنی نباشد، بلاشبه چیزی کمتر از غنی نیست.

شما همه کار ها را به نام غنی حساب نکنید. نظر مساعد و منفعت جویانهٔ امریکا به افغانستان سبب شده است، که توجهٔ همه کشور های همجوار ما از چین و قزازقستان و قزغزستان و تاجکستان و

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

اربکستان و ترکمنستان و ایران و هند گرفته تا کشور های غربی و جاپان و آسترالیا به این کشور معطوف شود و از هر طرف کمک ها به گونه های متنوع سرازیر گردد.

دلیل دوم موقعیت مهم جغرافیائی و معادن دست ناخوردهٔ کشور است، که در ارتباط اقتصاد و تجارت کشور های منطقه جایگاه خاص پیدا کرده است.

تنها مردم می توانند کشور را از فقر و بدبختی و فساد و جرم و جنایت و جنگ نجات بدهند؛ و سیاستمداران واقعاً پاک و ملی. از کسانی مانند غنی و عبدالله و کرزی و دار و دسته های شان، و احزاب آزموده شده جهادی، از خائنین، به قول آقای روستائی، چنین انتظاری چیزی نیست، مگر خود فریبی!

19- شما محترم، عبدالله را ایدول و اندوال من خوانده اید. کار خوبی نمودید، منتها فکر می کنید، که کسانی که مرا می شناسند یا نوشته های مرا خوانده اند، این حرف شما را باور می کنند و به شما نمی خندند؟ من فکر نمی کنم که حتی سر سخت ترین منتقدان من هم این اتهام خنده دار شما را جدی بگیرند. شما وقتی این سخن را می نوشتید، فکر نکردید که این انسان که با عقاید خاص دینی - فلسفی - سیاسی خود، که عمری را در پارسائی و شرافت گذشتانده، کسی که ده ها بار علیهٔ هر چه دزد و فاسد و جاسوس و خائن به وطن و دین فروش و جاهل و آدمکش و انتحاری و راهگیر است، نوشته کرده است؛ آنهم با تلخ ترین کلام، چطور می تواند مردی مانند عبدالله ایدول و اندیوال او باشد؟

من هیچگاه ایمان خود را برای خوشی چهار نفر، حتی برای خوشی پاک ترین انسان ها، چه رسد به انسان هائی خطاکاری مانند کرزی و غنی و عبدالله و امثالهم، یا چوکی و پول نفروخته ام و نمی فروشم. به یک تکه نان شرافتمندانه و خشکی که دارم به مراتب راضی تر هستیم، تا از پلو و چلوئی که پول و امکانات آن از راه دزدی و دروغ و دغل و خاک زدن به چشم مردم و فساد و وطن فروشی و دم و دعا و تعویذ یا قرآن فروشی به دست آمده باشد. نه خواهان قدرت ام و نه می خواهم اعصای دست قلدران از خدا بی خبر و دزد و فاسد و جنایت پیشه، که سبب قتل و آوارگی هزار ها انسان و تخریب و بی چارگی کامل سرزمین زیبای ما شده اند، شوم.

شما مقاله ای که من بعد از مرگ ربانی نوشتم: "درمرگ جانیان وطن فروش ماتم روا نیست" را حتماً خوانده اید! نزد من ربانی و عبدالله و حکمتیار و کرزی و غنی و سیاف و محقق و مجددی و گیلانی و قانوی و فهیم و ملاعمر و... هیچ فرقی ندارند. اگر زنده باشم، در مرگ عبدالله نیز مقاله ای خواهم نوشت با همان لحن و با همان کلام!

عبدالله از ربانی و مسعود و... جدا نبود و جدا نیست. اگر ربانی آدم منفور باشد، عبدالله و رفقایش هم باید آدم های منفور باشند. آدم منفور تنها می تواند ایدول و اندیوال آدم های منفور باشد. با چنین دیدی چطور ممکن است که من از عبدالله حمایت کنم و به نفع او تبلیغ کرده باشم؟

آنچه در نوشته های من آمده است، حاصل یک بررسی بی طرفانه و واقعی از اوضاع دوران انتخابات بود، نه دشمنی یا دوستی شخصی با عبدالله و غنی!

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

این مسأله را تنها کسانی درک می کنند، که خصلت بی طرفانه و رویهٔ انسانی در تحلیل قضایا را پیشه نموده باشند، نه آنانی که نفع و ضرر این خلاف کاران را نفع و ضرر خود می دانند، و قضاوت های شان بر اساس انتظاراتی ست که از این یا از آن دارند.

کعبهٔ من خاک افغانستان و پیشوای من مردم محروم و بینوا و رنج کشیده و جنگ دیدهٔ آن است. من به هیچ انسانی باور ندارم؛ غیر از خودم، چون خودم، خودم را می شناسم، که عمری را در شرافت و صداقت و پاکی گذشتانده ام و غیر از حرف حق حرفی بر زبان نیاورده ام. عبدالله و امثالهم به هیچ صورت و هیچ وقت نمی توانند ایدول و اندیوال من شوند. چنین تصوری حتا خر را به خنده می اندازد؛ چه رسد به انسان!

20- در مورد این که چه چیزی را به جامعه پیش کش کرده ام یا نه کرده ام، من قبلاً خدمت تان نکاتی را بیان داشته ام. من زمانی مأمور دولت بودم. در پهلوی آن کورسی داشتم برای کمک به اولاد معارف کشور که نیاز به کمک اضافی در فرا گرفتن بیشتر و بهتر دروس شان داشتند. در این کورس چند نفر از معلمین برجستهٔ لیسه های شهر کابل همراه با دو نفر انجینر و یک نفر معلم فزیک برای تدریس بعد از وقت استخدام شده بودند. توانائی های من در همین حدود بود. آن را صرف کردم. حال که پیر و شکسته و خسته شده ام و در تبعید به سر میبرم، به همین اندازه توان دارم، که به مشکل قلمم را بردارم و چیزی به منظور روشنگری بنویسم. آنچه از نوک قلمم تراوش می کند، به قول شما "پرودکت" من است. مانند پرودکت یک شاعر، یک مؤرخ، یک نویسنده، یک فیلسوف، یک معلم، یک روانشناس، یک جامعه شناس و...، که غیر از قلم و کار فکری کار دیگری ندارند. به حساب شما کسانی که مخترع نیستند، یا در کار تولیدی، مانند ساختن ماشین و سرک و ساختمان و بند و کانال و غیره وغیره سهم ندارند، آن هائی که کار فکری می کنند؛ فیلسوفان و شعراء و نویسندگانی مانند "دین کونتز" و "جکی کالینز" و "جیمز پیترسون" یا "ویکتور هوگو" و...، چون در کار تولید مادی نقش ندارند، مانند یک دهقان یا یک کارگر و انجینر و امثال این ها، حق زندگی کردن یا حق حرف زدن را ندارند؟

خدا را شکر که سر رشتهٔ کار و ادارهٔ امور کشور به دست شما نیفتیده است. اگر میفتید، بدون شک روی هیتلر و موسولینی و چائسیسکو و صدام و قذافی را سفید می کردید؛ با این منطق و این سخت گیری های تان!!

21- درمورد لغتنامه مورد نظر من قبلاً نظرم را بیان داشته ام. گنجشکی را که هنوز به شاخ درخت است، سر مردم نفروشید. اگر از این نقطهٔ نظر ببینیم، شما نیز تا هنوز چیزی به مردم عرضه نکرده اید.

و اگر مقصد تان پورتال است، به نظر من سود و ضرر آن یک اندازه است، زیرا در پهلوی مقالات آموزنده و با ارزش به قلم نویسندگانی مانند داکتر صاحب زمانی، آقای کاظم، آقای لمر، آقای حامد نوید، خانم حیدری، خانم غفوری، آقای هیرمند، آقای آریا، داکتر صاحب انصاری، داکتر صاحب روستائی و یکی دو نفر دیگر، پورتال وسیله ای شده است برای تبلیغ تفرقه و دشمنی به شکل جلی و خفی که احتمالاً شما چون وقت کافی برای خواندن چنین مقالات ندارید، یا بیشتر در فکر فربه ساختن پورتال هستید، متوجه آن ها نمی شوید.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

با همه این ها همان گونه که گفته شد؛ آرزو دارم در این پروژه، تدوین لغتنامه، کامیابی نصیب تان شود. یگانه جمله ای که از تمام نقد بیست سطرۀ شما خوشم آمد، این بود: "و آن هم در صورت کامیابی آن، درغیر آن ما کوشش بندگی و افغانی خود را انجام دادیم." کوشش مهم است، اگر نشد، نشد. من طریق سعی می آرم به جا/لیس للانسان الا ما سعی. کاش در جا های دیگر هم با همین فروتنی و صداقت حضور پیدا می کردید!

22- در باب غنی به خاطر "گل روی شما محترم" بیشتر از آنچه گفته شد، چیزی نمی گویم؛ درغیر آن زد و بند های او با اشخاص ناباب، به شمول عبدالله و دوستم و زاخیلوال و ستانکزی و همراهان دیگر شان، خود دلیل ناباب بودن وی است. شما کار با اشخاصی را که تعدادی کثیری ازمردم کشور آن ها را دزد و آدم کش و خائن به وطن می نامند، تشخص و امتیاز می خوانید؟

یکی از همکاران بسیار محترم پورتال افغان جرمن آنلاین، جناب داکتر صاحب روستائی در کتاب ارزشمند شان "شاه شجاع درانی و حامد کرزی در آیینۀ تاریخ" نوشته می کنند: "در این دوره خائنان ملی چون ربانی، برادران مسعود، قانونی، فهیم، دوستم، سیاف، محقق، خلیلی و غیره ..."

تقریباً همۀ این ها که آقای روستائی نیز مانند میلیون های افغان دیگر آن ها خائن می خواند، مستقیم یا غیرمستقیم در دولت موجود سهیم هستند و کار می کنند؛ یا از جمله همکاران غنی در دوران کرزی بودند. آیا دولتی که این همه خائن را به خود جذب و در خود حل کرده است، و کسی که با این همه خائن همکار بوده است، می تواند خادم باشد؟

درجای دیگری درهمان صفحه، صفحۀ پنج، نوشته شده است: "... ملاهای دیگری چون ملاعمر، ملا سیاف، ملا خلیلی، ملا محسنی، ملا اکبری و همپالگان شان نیز به عنوان وطن فروشان دوره گرد سر درآخور بیگانان دیگر دارند..." آیا تمام این وطن فروشان به قول جناب داکتر روستائی، در دولت موجود به نحوی از انحاء شامل نسیتند و دست ندارند و در گذشته همکار غنی نبودند؟

23- نوشته می کنید: «اول اینکه استفاده از لغت نأمنوس و تغییر بی جهت اسم یک مرکز علمی برای خوشنودی همسایه، فرق کلی با یک دیگر دارد. دوم تغییر یک لغت در مقاله ای یک نویسنده، باعث قهر و غضب وی می شود. حتماً آن زمان را به یاد دارید، وقتی که محترم نوری ناحق لغت "آموزه" در مقالۀ تان تعویض نمودند، شما با وبسایت ما قطع رابط کردید...»

الف ـ لغت دانشگاه غریب و نامأنوس یا به قول شما "نأمنوس" نیست. "دانش" و "گاه" کلمات بیگانه و غریب در زبان ما نیستند. اصرار شما در بیگانه بودن این دو کلمه نشان از "سرتنبگی" تان دارد. بحث تغییر اسم با بحث با معنی بودن و بیگانه نبودن این اسم کاملاً از هم جدا هستند. من در بخش های اول و دوم این نوشته در این رابطه به صورت مشروح روشنی انداخته ام. گذشته از این، این بحث آنقدرها هم ساده نیست، که فقط آن را به تلاش بیگانه ها مربوط دانست. من نمی خواهم بیشتر از این در این باره صحبت کنم. باشد برای زمانی که هم ما، هم شما و هم مردم حوصلۀ بحث های بیخ دار را داشته باشیم.

ب ـ با سخن دوم تان در رابطۀ تغییر یک لغت در مقاله که سبب قهر و غضب یک نویسنده می شود، این سؤال در ذهن خطور می کند، که کدام یک برای تان مهم است، آزردگی یک نویسنده که ظاهراً خلاف آرزو های ملی شما عمل می کند، یا پی گیری اهداف والای وطنی ـ مردمی تان؟

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

پورتال افغان جرمن آنلاین ـ که از سرد و گرم روزگار گذشته و با قوت تمام به پا ایستاده است ـ نباید از این حرف ها هراس داشته باشد. به پورتال نو پای آقای نوری نگاه گنید، که با چه اصرار و ابرام آن چه را که خلاف آرزو های همگانی می داند، به منصهٔ اجرا می گذارد. انسان باید یا زنگیی زنگ باشد، یا رومیی روم!

از تلویزیون ها به خاطر استفاده از لغات ساخت فرهنگستان زبان و ادب ایران با تندی انتقاد می کنید، اما به کاری که در پورتال جریان دارد، یکبار توجه نمی کنید. بیائید شما هم، مانند آقای نوری، وقتی که مخالف کاربرد لغات ساخت فرهنگستان یاد شده هستید، سرمشق دیگران قرار بگیرید و به آنچه می گوئید عمل نمائید. ایران، اگر قصد تهاجم داشته باشد، تنها با یک کلمه که عبارت از دانشگاه باشد به این تهاجم دست نمیزند.

ج ـ آزردگی من و آقای نوری بر سر کلمهٔ "آموزه" نبود؛ بلکه بعد از مقالهٔ "خدا حافظ، مبارک" به میان آمد، که به تاریخ 04.02.2011 نوشته بودم.

ایشان تمام مقاله را با رنگ های نارنجی و سبز و زرد به نام این که نه املاء درست بوده و نه انشاء به شکل بسیار ناخوشایندی رنگ آمیزی کرده بودند. من با این نظر و این کار شان موافق نبودم. من فعلاً روی این مسأله نمی خواهم زیاد بپیچم. کاری بود که شد و گذشت.

24ـ ممنون که مقاله را با سعهٔ صدر نشر کردید. کدورت به هیچ وجه؛ ولی اگر برخورد ها با مدارا توأم باشد، در برابر یک دیگر شکیبا باشیم، در پذیرفتن و حمایت حرف حق از گشاده دلی کار بگیریم و روی هر سخن پافشاری غیر ضروری نکنیم، فکر نکنم که حتا آزردگیی خلق شود.

25ـ شما روی بیست و پنج مطلب انگشت گذاشته بودید. برای توضیح و تشریح آن ها فکر می کنم کمی "پرحرفی" یا به قول شما "پرنویسی" لازم خواهد بود. باتأسف که بعضی اوقات حتا همین پرنویسی ها هم برای برخی از انسان ها کافی نیست؛ اکر بود، ضرورتی برای پرنونیسی نبود!!!

26ـ آرزو می کنم ایام تعطیل را به خوشی سپری نموده باشید. اگر کدام سخنی دور از آداب و ادب بوده باشد، پوزش می طلبم!

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ